

مسجد و جهان مدرن

معماری، بانیان خصوصی، حامیان دولتی

رنا هلود و حسن الدین خان
با همکاری کیمبرلی میمر
ترجمه: محمدرضا افضلی



www.ketab.ir

سرشناسه	: هالود، رناتا Holod, Renata
عنوان و نام پدیدآور	: مسجد و جهان مدرن: معماری، بانیان خصوصی، حامیان دولتی / رناتا هولود، حسن‌الدین خان؛ با همکاری کیمبرلی میمز؛ ترجمه محمدرضا افضلی.
مشخصات نشر	: تهران: یزدا؛ نشریه تفکر معماری، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۰ ص.؛ مصور (بخشی رنگی)، نقشه؛ ۲۹×۲۲ س.م.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: The mosque and the modern world architects, patrons and designs since the 1950s. 1997.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۲۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: مسجدها-- طرح و نقشه
موضوع	: معماری مساجد
موضوع	: معماری اسلامی
شناسه افزوده	: خان، حسن‌الدین
شناسه افزوده	: Khan, Hasan-uddin
شناسه افزوده	: میمز، کیمبرلی
شناسه افزوده	: Mims, Kimberly
شناسه افزوده	: افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱-، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۲م۵-۵/NA۴۶۷
رده‌بندی دیوپی	: ۷۲۶/۲۰۹۰۴۵۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۳۸۸۲۸

مسجد و جهان مدرن

معماری، بانیان خصوصی، حامیان دولتی

رناتا هولود و حسن‌الدین خان

با همکاری کیمبرلی میمز

ترجمه: محمدرضا افضلی

ناشر: یزدا / چاپ اول: ۱۳۹۳ / قطع: رحلی / تعداد صفحات: ۳۴۰ صفحه /

آماده‌سازی قبل از چاپ: نشریه تفکر معماری / مدیر تولید: محمدرضا افضلی /

طراح جلد: امیربهادر میرمحمدعلی رودکی / چاپ و صفحه‌آرایی: یزدا /

شمارگان: ۶۰۰ نسخه / بها: ۲۶۰۰۰ تومان /

شابک: BN: 978-600-165-103-8

شابک: ۹۷۸ ۶۰۰۰۱۶۵-۱۰۳-۸

نشر یزدا و گروه نشریات

دفتر نشر و نمایشگاه دائمی: تهران، سیدخندان، خیابان ارسباران، کوچه‌ی ستاری، شماره‌ی ۲۲، ساختمان یزدا دورنگار: ۲۲۸۸۵۶۵۱ (۰۲۱) تلفن: ۲۲۸۸۵۶۴۷-۵۰ (۰۲۱)

نمایندگی انحصاری بخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان اردیبهشت (منبری جاوید)، بین خیابان لبافی‌نژاد و جمهوری اسلامی، ساختمان شماره ۱۰، انتشارات فدک ایساتیس تلفن: ۶۶۴۸۲۲۲۱

توجه: به موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ و همچنین قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صونی مصوب سال ۱۳۵۰ تمام حقوق این اثر به هر نحو برای نشر یزدا محفوظ است. نشر و بخش تمام یا قسمتی از این کتاب بدون اجازه از ناشر، باعث پیگرد قانونی خواهد شد.

WWW.YAZDAPUB.IR / WWW.HVAC.IR / WWW.KHANETASISAT.IR

فهرست

دیباچه / ۸

پیش‌گفتار / ۹

مقدمه: مسجد در جامعه‌ی اسلامی؛ گذشته، حال و آینده / ۱۱

فصل اول: مسجدهایی با بانیان خصوصی / ۲۵



مسجد شفیق‌آتش، بیروت، لبنان / ۲۶

مسجد بن‌مدیا، دمشق، امارات متحده‌ی عربی / ۲۸

مسجد بهونگ، نزدیک رحیم‌یار خان، پاکستان / ۲۹

مسجد السیده صفیه، قاهره، مصر / ۳۵

مسجد و مرکز فرهنگی، مارب، اسپانیا / ۳۵

جامع‌الابراهیم، کاراکاس، ونزوئلا / ۳۷

مسجد سلیمان، جده، عربستان سعودی / ۴۱

مسجد الحریثی، جده، عربستان سعودی / ۴۳

مسجد جمعه، ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی / ۴۴

مرکز اسمعیلیه، لندن، انگلستان / ۴۶

مرکز و جماعت‌خانه‌ی اسمعیلیه، برنابی، بریتیش کولومبیا، کانادا / ۵۲

مسجد لالا سکینه، رباط، مغرب / ۵۶

مسجد و بنیاد ملک‌عبدالعزیز، کازابلانکا، مغرب / ۵۷

مسجد حسن دوم، کازابلانکا، مغرب / ۵۸

فصل دوم: مسجدهایی با بانیان دولتی / ۶۷



مسجد استقلال، جاکارتا، اندونزی / ۶۸

مسجد نگارا، کوالالمپور، مالزی / ۷۲

مسجد دولتی نگری سسبیلان، سرمبان، مالزی / ۷۹

مساجد دولتی سلانگور و ساراواک، مالزی / ۸۱

مسجد ملک فیصل، اسلام‌آباد، پاکستان / ۸۲

مسجد کبیر، شهر کویت، کویت / ۸۶

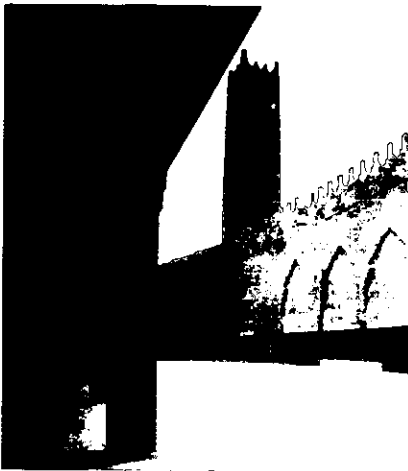
مسجد دولتی (مسابقه) بغداد، عراق / ۹۱

مسجد الامی، طرابلس، لیبی (پروژه) / ۹۹

مسجد مجمع ملی، داکه، بنگلادش / ۱۰۳

مسجد مجمع ملی، آنکارا، ترکیه / ۱۰۸

فصل سوم: مسجدهایی با بانیگری نهادهای دولتی محلی / ۱۱۳



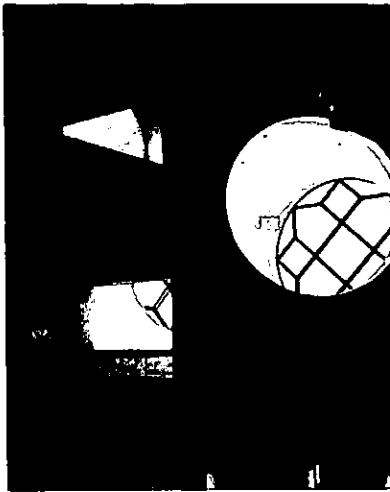
- مسجد روستا، گورنای جدید، مصر / ۱۱۴
- مسجد روستا، معادیر، الجزایر / ۱۱۷
- مسجد روستای بومدین، نزدیک ابدالا، الجزایر / ۱۱۹
- مسجد ایالت پاهانگ، مالزی / ۱۲۰
- مساجد سازمان مسکن و نوسازی، سنگاپور / ۱۲۳
- مساجد سازمان توسعه‌ی پایتخت، اسلام‌آباد / ۱۲۶
- مسجد نیلی، خارطوم، سودان / ۱۳۰
- مسجد عثمان‌ابن عفان، قطر (پروژه) / ۱۳۳
- مسجد جامع میدان ال‌مدی، ریاض، عربستان سعودی / ۱۳۴
- جامع امام ترکی بن عبداللہ، ریاض، عربستان سعودی / ۱۳۴
- مساجد ساحلی، جده، عربستان سعودی / ۱۴۰
- مسابقه‌ی مسجد "معمار" / ۱۴۰
- مساجد شهرک جدید شوستر، لندن، انگلستان / ۱۴۷
- مسجد خلفا، بغداد، عراق / ۱۴۹
- مسجد سعید نعوم، جاکارتا، اندونزی / ۱۵۲
- مسجد ابوبکرالصدیق، کوالالامپور، مالزی / ۱۵۷

فصل چهارم: مسجدهایی برای نهادهای عمومی و تفریحی / ۱۶۱



- مسجد سلمان در ITB، باندونگ اندونزی / ۱۶۲
- مسجد دانشگاه جندی‌شاپور، اهواز ایران / ۱۶۵
- نمازخانه، تهران، ایران / ۱۶۹
- مسجد دانشگاه نفت و مواد معدنی، طهران، عربستان سعودی / ۱۷۱
- مسجد بنیاد ملک فیصل، ریاض، عربستان سعودی / ۱۷۳
- مسجد دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (پروژه) / ۱۷۵
- مرکز اسلامی آموزش و پژوهش فنی و حرفه‌ای، داکا، بنگلادش / ۱۷۷
- مسجد دانشگاه کرمان، ایران / ۱۸۰
- مسجد دانشگاه اندونزی، دپوک، جاکارتا، اندونزی / ۱۸۲
- مسجد هتل و مرکز کنفرانس، مکه، عربستان سعودی / ۱۸۴
- مسجد فرودگاه بین‌المللی ملک خالد، ریاض، عربستان سعودی / ۱۸۶
- مسجد بیمارستان نظامی ابن سینا، مراکش، مغرب / ۱۹۰
- مسجد دارالامان، نزدیک کازابلانکا، مغرب / ۱۹۲

فصل پنجم: مسجدهای محله در سراسر جهان / ۱۹۷



- مسجد کبیر، نیونو، مالی / ۱۹۹
مسجد یاما، تاهوئا، نیجر / ۲۰۳
مسجد طوبی، کراچی، پاکستان / ۲۰۸
مسجد سفید شرفالدین، ویسوکو، بوسنی / ۲۱۱
مسجد و مرکز اسلامی، زاگرب، کرواسی / ۲۱۶
بیت المکرم، داکا، بنگلادش / ۲۲۰
مسجد الغدیر، تهران، ایران / ۲۲۵
مساجد لندن شرقی و بریک لین، لندن، انگلستان / ۲۳۰
دارالاسلام، آبیکیو، یومک، ایالات متحدهی امریکا / ۲۳۱
مرکز اسلامی تارانت، تورنتو، کانادا / ۲۳۵
مرکز اسلامی ISNA، پلین فیلد، ایندیانا، ایالات متحدهی امریکا / ۲۳۶
مسجد دانشگاه آرکانزاس، جبربرو، آرکانزاس، ایالات متحدهی امریکا / ۲۳۹
بیتالاسلام، میپل، تورونتو، انتاریو، کانادا / ۲۴۱
مرکز اسلامی، کینگستون، اونتاریو، کانادا / ۲۴۲

فصل ششم: مراکز اسلامی نمونه در غرب / ۲۴۷



- مسجد و مؤسسهی اسلامی، پاریس، فرانسه / ۲۵۰
مسجد مرکزی (ریجنتر پارک) لندن، لندن، انگلستان / ۲۵۰
مرکز اسلامی، واشینگتن، دی سی، ایالات متحدهی امریکا / ۲۵۱
مسجد و مرکز اسلامی، رم، ایتالیا / ۲۶۳
مرکز فرهنگی اسلامی نیویورک، ایالات متحدهی امریکا / ۲۷۰

پی‌نوشت / ۲۷۷

مساجد و مراکز اسلامی مهم / ۳۱۵

کتاب‌نامهی منتخب / ۳۲۵

نماینه / ۳۳۴

واژه‌نامه / ۳۳۹

دیباچه

«لَمَسْجِدُ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ»^۱
مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن به نماز ایستی.

کتاب حاضر ترجمه‌ای است از 'The mosque and the modern world'. این اثر توسط «رناتا هولود» و «احمد ندیم رازی» و با همکاری «کیمبرلی میمز» نگاشته شده است و به بررسی معنوی مساجد شاخص در دنیای امروزی می‌پردازد. این کتاب قطعا چهار ناست و امیدهای می‌باشد که شاید بتوان دلیل آنرا، متأثر بودن نگارندگان از جهان سلفی - وهابی دانست.

در پایان متذکر می‌شویم که این کتاب، مساجد دنیای امروز را فقط از دیدگاه معمارانه مورد کنکاش قرار می‌دهد و اهداف بنیان‌های سیاسی و کلامی آنها را نادیده می‌گیرد. ضمن اینکه گستره‌ی مطالعاتی این کتاب بسیار گسترده‌تر، کشورهای غربی و عربی بوده است.

۱ قرآن کریم - سوره توبه - آیه ۱۰۸

۲ مقصود مسئولین برخی کشورهای عربی هستند که تحت تاثیر القائات مسموم وهابیت، با صرف هزینه‌های بادآورده‌ی نفتی اقدام به بنای مساجد مجلل در بعضی کشورهای غربی نموده‌اند و در این اقدامات، نه تنها اعتلای اسلام را مدنظر نداشته‌اند که متأسفانه اهداف سیاسی و فرقه‌ای خود را به نهایت رسانیده‌اند.

پیش‌گفتار

تاریخ متأخر یک تیپ ساختمانی سنتی، نمونه‌های مختلفی را ارائه می‌دهیم که از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد ساخته شده‌اند؛ امیدواریم دانشجویان آینده در حوزه‌ی جوامع اسلامی معاصر و معماری آن‌ها، مسائل و موضوعات مطروحه در این بررسی را ژرف‌تر بشکافند.

برای آماده‌سازی این کتاب، با شمول جغرافیایی گسترده‌ای که دارد، نزدیک به یک دهه وقت صرف شده است، زیرا اولاً می‌خواستیم تا حد امکان مساجد بیشتری را از نزدیک ببینیم، و ثانیاً در کشورهای مختلفی زندگی می‌کردیم و تعهدات سنگین دیگری نیز داشتیم. شاید اگر از طریق جایزه‌ی آقاخان با مسائل ناشی از تحولات جهان اسلام در دوران معاصر درگیر نبودیم و جایزه‌ی معماری آقاخان نبود، اصلاً پای در چنین راه خطیری نمی‌گذاشتیم. قرار گرفتن در چنین جایگاه ممتازی این فرصت را به ما داد تا از صدها بنا بازدید کنیم، از همکارانمان بیاموزیم و با معماران و کارفرمایان دیدار کنیم. رناتا هولود نخستین از تاریخ دهه‌ی مسابقه‌ی معماری آقاخان (۱۹۷۷-۱۹۸۰) بود و در دهه‌ی ۹۰ به عضویت هیئت داوران اصلی و کمیته‌ی سازمان دهی در آمد. حسین آقاخان به مدت هفده سال، در خدمت آقاخان بود و وظایف مختلفی بر عهده داشت؛ برگزارکننده‌ی مسابقه‌ی معماری آقاخان، عضو کمیته‌ی سازمان دهی این مسابقه، رئیس بخش معماری در دبیرخانه‌ی آقاخان، مدیر بنیاد فرهنگی آقاخان، و سردبیر نشریه‌ی معمار: معماری در تکامل. بسیاری از مشاهدات ما بر تجربیات شخصی در این محیط مبتنی است.

ما که تقریباً همه‌ی مساجد مطرح شده در این کتاب را از نزدیک دیده‌ایم، دریافته‌ایم که هرچند این بناها حاصل شرایط مادی بسیار متفاوت در نواحی مختلف جهان‌اند، در نیتی مشترک‌اند که ضرورت‌های داخلی و خارجی مشابهی آن را شکل داده است. واقعیت‌های هم‌زمان وجود فرهنگ‌های جهانی و محلی همواره مطرح است؛ این واقعیت‌های چندگانه اکنون صرفاً جنبه‌های

چهار دهه‌ی آخر قرن بیستم شاهد تحولی بنیانی در محیط ساخته، به‌ویژه در بسیاری از نواحی جهان اسلام بوده است. شهرها از لحاظ کثرت جمعیت و وسعت به مرز انفجار رسیده‌اند. نواحی مرکزی کسب‌کار، پدیدار شدن ساختمان‌های بلند، تحول یافته‌اند. هزاران خانه‌ی جدید، خواه از طریق طرح‌های خانه‌سازی مورد حمایت دولت یا ساخت و سازهای تجاری، یا ساخت و سازهای فاقد مجوز، طرح و برنامه، پدید آمده‌اند. جاده‌ها، پل‌ها، و بزرگراه‌های جدید درک هر شهرنشینی را از محیط شهری متحول ساخته‌اند. سرازیر شدن انبوه جمعیت از نواحی روستایی به مراکز شهری قدیمی، ماهیت این مراکز را به‌صورت برگشتناپذیر دگرگون کرده است. در مقابل، روستاها سیمای شهر پیدا می‌کنند. مهاجرت و کوچ در مقیاس انبوه، جوامع اسلامی را که قبلاً از انسجام جغرافیایی برخوردار بودند، در سرتاسر جهان پراکنده ساخته است. واگرایی این جمعیت‌های پرجنب‌وجوش و بالنده با تمایل مرکزگرایانه‌ی متناظری خنثا می‌شود که جوای راهی برای آفرینش جوامع و قلمروهای جدید یا بازآفرینی جوامع و قلمروهای کهنه است. چنین تلاش‌هایی برای اعاده‌ی نظم و انسجام همان پیوستگی و استمراری را دارند که آن رشد بی‌رویه و مهارنشده از آن برخوردار است. یکی از نشانه‌های قطعی موفقیت‌آمیز بودن این تلاش‌ها، ساخت هزاران مسجد جدید است که امروز بخشی از چشم‌انداز هر خیابان را تشکیل می‌دهند، اگرچه در افق شهرها شاخص نباشند.

می‌توان جنبه‌های متعدد و متفاوتی از انفجار جمعیت در شهرها را بررسی کرد و در این بررسی رویکردهای مختلفی را در پیش گرفت تا معیاری برای درک این تحولات مهم به‌دست آید. به مسجد، به مثابه یک تیپ ساختمانی پرداخته‌ایم، زیرا به نظر ما بررسی مشخصه‌های فرمی و کارکردی آن شاخصی برای ذوق و سلیقه، هویت و ارزش‌های نمادین است. در این بررسی مقدماتی

واقعیت‌ها باشند، مرزهای از هم گسیخته و قلمروهای متعددی که حاصل این تنوع جمعیتی هستند، باید جایگاه و فرصتی برای ابراز وجود پیدا کنند. اکنون تصور دیرپای «غرابت» جای خود را به فرمول‌بندی‌های کثرت‌گراتر و فراگیرتر جوامع جدید و نظم نوین جهانی در قرن بیست و یکم می‌دهد. شیوه‌های تگرش مسلمانان و نمایاندن خود در چنین زمینه‌هایی از شاخص‌های بسیار مهم پیشرفت این درک و تکامل نوین به‌شمار می‌روند. امیدواریم که این بررسی مقدماتی در باب معماری مساجد معاصر از جنبه‌های مختلف، که در نوع خود اولین است، ابزاری مفید برای تحقق این هدف باشد.

رناتا هولود، فیلادلفیا، پنسیلوانیا

حسن‌الدین خان، کیمبریج، ماساچوست

ژانویه ۱۹۹۶

مختلف شبکه‌ای هستند که ما خود را گرفتار در آن می‌یابیم و همه باید به راه‌های مختلف با آن کنار بیاییم. در اواخر قرن بیستم، اقتصادهای چندملیتی، جوامع چندفرهنگی و ارتباطات جهانی ملازم آن نیز مخرج مشترکی را در طراحی مسجد با خود به ارمغان آوردند - بیان معماری میان‌فرهنگی که هر جا مسلمانان حضوری در خور اعتنا داشته باشند افراد، جوامع و ملت‌ها درک یکسانی از آن دارند.

بناهای حاصل از این طرز فکر، معرف جوامع اسلامی در حال گذارند و موضوعات گسترده‌تری را در مورد عدم تجانس فرهنگی و همگون‌سازی، و درباره فرم‌ها و معانی دورگه مطرح می‌کنند. معماری مسجد به سوی کیفیت جوامع اسلامی بومی و به سمت رویای افزایش تعداد مسلمانانی که در دوران اخیر به زندگی در جوامعی با زمینه‌های متفاوت روی آورده‌اند، دریچه‌ای می‌گشاید. اگر قرار باشد بناها و بناهای بومی بازتابی از این

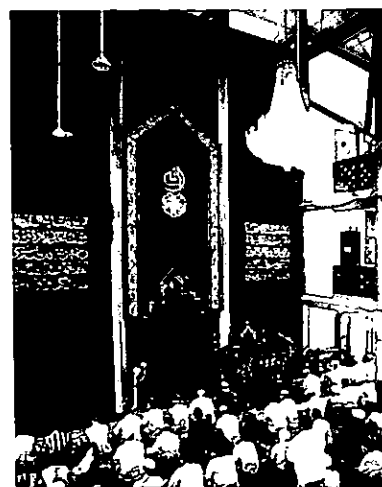
مقدمه

مسجد در جامعه‌ی اسلامی؛ گذشته، حال و آینده

در این کتاب منتخبی از مساجد ساخته شده بین دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۹۰ در سرتاسر جهان، بررسی می‌شود. سرعت رشد اسلام، در میان ادیان مهم، از همه بیشتر است و در دوران اخیر ساخت مسجد نه تنها در جهان اسلام، بلکه هم‌چنین در ناحیه‌هایی از جهان که در دهه‌های اخیر جمعیت مسلمان در خور اعتنایی در آن‌ها استقرار یافته‌اند، رونق داشته است. بعضی از این مساجد جزئی از برنامه‌های ساخت‌وساز دولت‌های جدید بوده‌اند، برخی بازتاب مستقیم در دهه‌های هفتی دهه‌ی ۱۹۷۰ به شمار می‌روند، دسته‌ای دیگر در پی رشد سریع شهرنشینی در جهان اسلام ساخته شده‌اند و بعضی دیگر تجلی پراکندگی مسلمانان در جهان‌اند. ما به عنوان نمونه بیش از هر مفاد مسجد را برگزیده‌ایم که بنای آن‌ها به پایان رسیده است و گذشته از آن تعدادی پروژه‌ی جرائدیده، برجسته را نیز در نظر گرفته‌ایم و در نتیجه بررسی ما بیش از یک صد مسجد را شمول می‌دهد.

بخش عمده‌ی صحنه‌ها مسجد جدیدی که در دوران اخیر ساخته شده‌اند، محصول همکاری کارفرمایان و معماران بوده است. هر چند تعداد کمتری هم با تلاش و مهارت جمعیت‌ها و سازندگان محلی به سرانجام رسیده است. این طرح اغلب بناهای فردی بر گزارشی روشن و موجز مبتنی است که زبان و اصطلاحات خاص آن‌ها غالباً همان اندازه اهمیت و گویایی دارد که خود بنا. بنابراین، تحلیل ما، اگرچه عمدتاً جنبه‌ی معمارانه دارد، شامل مؤلفه‌ی اجتماعی مهمی نیز هست که بازتاب‌گر نیت و عقاید کارفرما و معمار به صورت شفاف شده در متن این گزارش‌هاست. فقط پس از این است که تصویری بزرگ‌تر و با تفاوت‌های تاریخی ظریف‌تر پدیدار می‌شود.

مسجد، به منزله‌ی تیپ ساختمانی، در همه جا به چشم می‌خورد و در عین حال، هم کهنه است و هم بسیار نو. مکانی فرهنگی برای پرستش پروردگار است و نشان‌دهنده‌ی سنت‌های معماری محلی و ناحیه‌ای است، و بیانی فرانااحیه‌ای از نوعی هم‌روزگاری است که خصیصه‌ی پان‌اسلامی جهانی یافته است. این نماد اصیل اسلامی منظری برای تماشای سازوکارهای باز نمود دولت و اقتدار در ملل اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، و هویت فردی در داخل این جامعه، و هم‌چنین بیرون از آن، فراهم می‌آورد. نمونه‌های مساجد در این کتاب براساس اهمیت از لحاظ معماری، یا به این علت که دل‌مشغولی‌های اجتماعی، یا مسائل فنی خاصی را نشان می‌دهند، برگزیده شده‌اند. این بناهای متأخر را براساس نوع کارفرما یا بانی پروژه و پاسخ طراحی معمار در هر مورد، و سپس براساس ترتیب زمانی و/ یا فرمی معرفی کرده‌ایم. اولویت قائل شدن برای نقش بانی یا



◆ نماز جمعه در مسجد دارالامان (۱۹۸۶)، سنگاپور.

کارفرما، بازتابگر فرایند سفارش چنین پروژه‌هایی است. به‌علاوه این شیوه‌ی دسته‌بندی، الگوهای سلیقه‌ی بانیان ساخت مسجد، پاسخ معماران و سازندگان به این سلاقی، و هم‌چنین ارزش نمادینی را که برای سبک و برنامه‌ریزی خود مسجد قائل می‌شوند، بهتر نشان می‌دهد.

دوره‌ی مورد بررسی طبیعتاً با اوج‌گیری فعالیت ساختمانی در دوران پس از استعمار شروع می‌شود. در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰، بسیاری از ملل مسلمان که از بند استعمار رها شده بودند، در سرزمین‌هایی که قبلاً تحت استعمار بود دولت‌های جدید و مستقل تشکیل دادند و جایگاه جدید و جهان خارج، آن‌ها را به این سمت سوق داد که از طریق ساخت بناهای جدید، به‌ویژه مساجد، خود را «مدرن» معرفی کنند.

در جهان اسلام، پیش از این نیز، در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، دولتمردان جمهوری‌خواه ترکیه از مدرنیته به‌عنوان مظهر و برنامه استفاده کرده بودند.^۱ پس از جنگ جهانی دوم کشورهای سوریه، عراق، مصر، و بعدها الجزایر خود را جمهوری سوسیالیستی خواندند.^۲ آن‌ها سبک بین‌المللی را که در آن روزگار رواج داشت، به عنوان سبک بناهایشان برگزیدند. مانند ترکیه، در این کشورها هم دولت در شکل دادن مجدد به محیط ساخته، نقش مهمی داشت، اما در این نمایش مدرن آن زمان، مسجد سهم واقعی نداشت.^۳ مقارن با این ایام، پاکستان - کشور تازه‌استقلال‌یافته‌ای که پس از تجزیه‌ی هند برای مسلمانان تشکیل شد - دولت مرکزی محرک اصلی برنامه‌های ساخت‌وساز بود. اما در این کشور، ساخت مسجد نیز جزء برنامه‌های دولتی، به‌ویژه طرح‌های آن برای ساخت پایتخت جدیدی موسوم به اسلام‌آباد، بود. به همین ترتیب، در کشورهای تازه‌استقلال‌یافته‌ی اندونزی و مالزی نیز دولت کارفرمای اصلی پروژه‌های ساختمانی بود. این کشورها، اگرچه بافت جمعیتی همگونی نداشتند، ساخت مساجد دولتی را به‌عنوان یک منزله‌ی عاملی برای تثبیت هویت جدید خود، انتخاب کردند. در دهه‌ی بعدی، چندین افزایش با ظرفیت‌های متعدد، و گاه متضاد با هم، ساختمان مسجد را شکل دادند. محدودیت‌های مدرن سبک و سبک بین‌المللی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ به چالش کشیده شده بودند، و در این دوره با ظهور نوعی ناحیه‌گرایی فرهنگی و معماری، این سبک‌ها بیش از پیش کنار گذاشته شدند.^۵

برنامه‌های وسیع و جدید ساخت‌وساز در کشورهای ثروتمند نفت‌خیز، مانند کویت، عربستان سعودی، (و تا حدودی ایران)،^۶ ساخت مساجدی با مقیاس‌های مختلف و در مکان‌های گوناگون، از اماکن تفریحی تا فرودگاه‌ها و دانشگاه‌ها را ایجاب می‌کرد.^۷ رژیم‌هایی که قبلاً آشکارا خود را سکولار یا سوسیالیست نامید بودند، مانند دولت‌های حاکم در عراق، الجزایر، یا یوگسلاوی، دریافتند که ساخت مسجد می‌تواند کنترل اجتماعی و سیاسی را تداوم بخشد. باز هم کارفرمایان خواستار بناهای «مدرن» بودند، اما این بار می‌خواستند بناهای جدید عناصری ناحیه‌ای را نیز در خود داشته باشند، یا به نوعی نشان دهند که به ناحیه‌ای خاص مربوط‌اند. در طرح توجیهی هر یک از این مساجد آمده بود که طرح باید واجد ویژگی‌های تاریخی یا اسلامی، و در عین حال مدرن، باشد.

افراد حقیقی به‌عنوان کارفرمایان مهم بانی ساخت مسجد شدند؛ افرادی که به سبب جایگاه سیاسی، مذهبی، یا اجتماعی خود، «حق» ساخت داشتند، درست به همان شیوه‌ای که نخبگان تاریخی صاحب چنین حقی بودند. یکی دیگر از علل به میدان آمدن افراد حقیقی



❖ مسجد سلمان (۱۹۵۰-۷۲) در باندونگ، اندونزی، طراحی شده توسط احمد نعمان، نماینده سبک بین‌المللی است که برای معرفی اسلام مدرن ساخته شده است.

به عنوان بانی ساخت مسجد این بود که مقامات دولت مرکزی دیگر قادر نبودند همه فعالیت‌های ساخت‌وساز را زیر کنترل بگیرند و منابع مالی لازم را برای آن‌ها فراهم کنند. به همین ترتیب، جمعیتی محلی نیز می‌توانست، بیرون از حوزه اقتدار دولت، ساخت مسجدی را برای خود آغاز کند. در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، گروه‌هایی که برای کسب قدرت رقابت می‌کردند، مسجد را به عنوان نشانه‌ای نمادین از توسعه‌ی کلان‌شهرها، و در بسیاری از موارد به منزله‌ی قضایی عقیدتی برای اشاعه‌ی تفکر سنتی و اسلامی، به کار گرفتند.

سرانجام، در سرتاسر دوره‌ی مورد بررسی، اما بیشتر در دو دهه‌ی آخر، مساجد بیشماری در ورای مرزهای جهان اسلام، طبق تعریف سنتی، بنا شده‌اند که نتیجه‌ی مهاجرت، کوچ و شهرک‌سازی در مقیاس انبوه بوده است. گسترش اسلام و پراکنده شدن مسلمانان در نقاط مختلف جهان به این معناست که مسجد به گنجینه‌ی هویت و اصالت کسانی تبدیل شده است که از موطن خود به دور افتاده‌اند. در چنین مواردی مسلمانان نواحی گوناگون با ریشه‌های فرهنگی متفاوت، در مساجد جدید خود کانونی برای هویت جدید آفریده‌اند و از طریق آن با محیط کالبدی جدید خود ارتباط برقرار کرده‌اند؛ این هویت به طور روزافزونی در فرم‌های ترکیبی «دورگه»، در شرایط پسمردن امروزی، تجلی می‌یابد.^۸ «مسجد جهانی» که به تازگی ایجاد شده است، انحراف اندکی از کلیشه‌ی گنبد و مناره را برمی‌تابد.^۹ چنین کلیشه‌ای با اشیای کارماییان برای حفظ خاطره‌ی مکان‌ها و مراسم مألوف، به محض دور شدن از آن‌ها و فرار گزینی در موقعیت جدید و به رغم این که ممکن است سرعت تحولات در موطنشان بسیار زیاد باشد، تعلق دارد. این کلیشه‌ها نیز، به نوبه‌ی خود، در سرتاسر جهان کمانه می‌کنند و سرانجام به نمایی موطن خود نیز بازمی‌گردند.^{۱۰}

مسجدهایی که در کتاب بررسی می‌شوند به شش دسته تقسیم شده‌اند. در فصل اول با مساجد سرتاسر دنیا که سفارت دهنده و در اغلب موارد بانی مالی آن‌ها اشخاص حقیقی‌اند. در فصل دوم کارفرمایان دولتی و بخش نمایندگان آن‌ها در شکل دادن به برنامه و سبک «مساجد دولتی» را شرح می‌دهیم. در فصل سوم به نقش نهادهای دولتی محلی می‌پردازیم و در فصل چهارم مسجدهایی را بررسی می‌کنیم که در کشورهای اسلامی، برای نهادهای آموزشی، اجتماعی، تجاری و سایر نهادهای نیمه مستقل ساخته می‌شوند. فصل پنجم به بررسی مساجدی اختصاص دارد که توسط جوامع مهاجران (مانند دانشجویان) با موجودیت مستقل، خواه در زمینه‌های سنتی، در نواحی شهری شده‌ی شهرهای قدیمی، یا در فضاهایی که به تازگی در کشورهای غیراسلامی دست‌یافت کرده‌اند، ساخته می‌شوند. در فصل آخر به بررسی مورد خاص مساجد و مراکز اسلامی می‌پردازیم، که به منزله‌ی بازنمود نمادین حضور اسلام در کشورهای غربی، مانند انگلستان، ایالات متحده‌ی آمریکا، ایتالیا، و سوئیس، غالباً در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی با نمایندگان دائمی مقیم، یا نمایندگی‌های دیپلماتیک، ساخته شده‌اند. در پی‌ریزی این دسته‌بندی، این نکته را در نظر داشته‌ایم که گاه هم‌پوشانی‌هایی وجود دارند و این دسته‌ها را نمی‌توان کاملاً مجزا از هم در نظر گرفت. اما نیاز به فرقی گذاشتن بین مقیاس مساجد و کاربران نهایی آن‌ها، توجه به خواسته‌های کارفرما و شرایط کاربران، و در عین حال تشخیص نقش تعیین‌کننده‌ی آن معمار در هر مورد حس می‌شد. بنابراین یکی از رویکردهای ممکن به پدیده‌ی مسجد-تیپ ساختمانی خاصی که به

فرم‌های بسیار، اما با نیتی واحد، ساخته می‌شود - را در پیش گرفتیم.

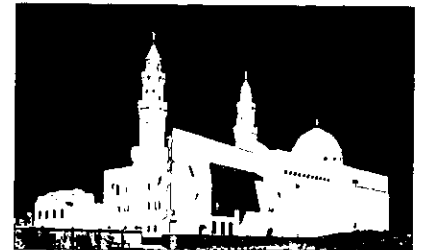
این کتاب روایت واحدی ندارد؛ بلکه از تعدادی موردپژوهی در بناهای مستقل از هم تشکیل شده است که طرحی از تصویر هنوز چندپاره‌ی تاریخ معاصر معماری مسجد را نتیجه می‌دهد. دسترسی به اسناد غنی، اگرچه نه به صورت یکسان، به ما امکان داده است تا گزارش خود را به چند موضوع فرعی، مانند موقعیت‌های خاص سفارش دادن بعضی از پروژه‌ها، یا آموزش یا فلسفه‌ی طراحی معماری خاص، گسترش دهیم. مشارکت معماران در این کار، از معماران مشهور بین‌المللی گرفته، تا استادکاران معروف ناحیه‌ای و تا تازه‌کاران محلی، که از طریق آموزش و نشریات (و گاه از طریق همکاری حرفه‌ای در اجرا) با هم پیوند یافته‌اند، مسجدسازی را به فرهنگ جهانی معماران معرفی کرده است. تکمیل این گزارش را باید به عهده‌ی آن دسته از پژوهش‌گران آینده گذاشت که به ثبت و تحلیل سرگذشت کامل ساختمان‌سازی در اواخر قرن بیستم علاقه‌مندند.

ما به سهم خود، قصد داریم توصیف‌ها، اسناد و عقاید معماران، کارفرمایان و بناهای نسبتاً معروف، اما در خور اعتنا را ارائه دهیم. ما می‌خواهیم بار شهادت درباره‌ی هزاران نمونه از اراده برای ساخت را، با همه‌ی پیامدهای روان‌شناختی آن، برای افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نواحی به دوش بکشیم که در شرف ورود به جریان غالب معماری یا خودآگاهی نقادانه‌اند. چند موضوع مربوط به طرح و سازه‌ی مساجد معاصر در ارتباط منطقی با یکدیگر، مطرح می‌شوند: در نخستین موضوع بر نوع سیمای انتخاب‌شده برای هر بنا تمرکز می‌کنیم. موضوع دوم ساخت مسجد جدید به منزله‌ی کانون و فرصتی برای به‌کارگیری هنرها و مهارت‌های دیگر است. موضوع سوم به بررسی سیمای در مقیاس معماری و هماهنگ‌سازی آن با یکپارچگی دیداری و شنیداری در دانشگاه‌ی مسجد سروکار دارد. مسابقات، هیئت‌های داوری، و کمیته‌ها انگیزه‌ای برای تکامل طرح مسجد در جهان معاصر فراهم کرده‌اند و البته طراحان نیز، به شخصه و در تلاش برای به‌خاطر نیازی کارفرمایان و کاربران، در این مهم سهم داشته‌اند. شرایط اجباری معدودند که ما در هر طرحی که برای مسجد تهیه می‌شود، رعایت آن‌ها الزامی است؛ محرابی در دیوار، و مالزی برای اقامه‌ی نماز؛ منبری برای ایراد خطبه در نماز جمعه؛ و تسهیلاتی برای وضوگرفتن یا وضوخانه. عناصر دیگر، حتی گنبد و مناره‌ی همیشه‌حاضر، اختیاری‌اند. مسجدهایی که در این کتاب مطرح می‌شوند، انواع سبک‌ها، از بومی تا مدرن و از تاریخی تا پسامدرن را شامل می‌شوند. در همه حال، حتی هنگامی که صاحب کار بر «مدرن» بودن طرح تأکید می‌کند، این خاسته‌ی صریح و روشن را نیز ضمیمه می‌کند که طرح باید سیمای «اسلامی» داشته باشد. این سیما در درجه‌ی اول با پوشش طاقی به فرم گنبد و برجی شاخص (مناره یا گلدسته) مشخص می‌شود و ممکن است شامل اجزای تزئینی دیگری نیز بشود. بنابراین، معمارانی که به‌طور معمول در سبک معاصر کار کرده‌اند، ناگزیر می‌شوند برای الهام گرفتن، یا به همان درجه از اهمیت، برای اعتبار بخشیدن به طرح‌های خود براساس رویه‌ی پیشین، به مدل‌های تاریخی روی بیاورند.

سیمای «اسلامی»، چنان‌که در مورد مسجد نگارا در مالزی (فصل ۲) خواهیم دید، گاه از طریق سفر در ذهن کارفرما و معمار خلق می‌شود. بوت‌های آزمایش اصلی جهت خلق سیمایی برای مسجد، یک رشته آثار کلاسیک مربوط به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در



◆ در ویسوکو، بوسنی، مناره‌ی مسجد شرف‌الدین (۸۰-۱۹۷۰)، کار زلاتکواوژن مویری کاملاً مدرن را برای جمعیت مسلمان شهر می‌کند.



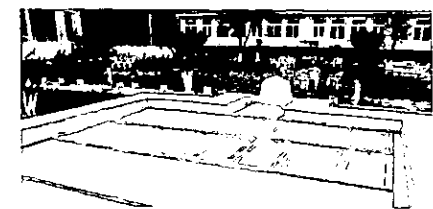
◆ مسجد القلبتین (۱۹۸۹) مدینه، یکی از مساجد عربستان سعودی است که عبدالواحد الوکیل، معمار مصری آن را طراحی کرده است و عناصر سنتی آشنایی از قبیل مناره‌ها، گنبد، و ایوان ورودی چشمگیر در آن به کار گرفته شده‌اند.



♦ رابطه‌ی نزدیک بین مهارت‌های استادکاران بومی و معمار مسجد، هنوز هم در بافت‌های مدرن، ادامه دارد؛ کاشی‌کاری مسجد بهونگ در پاکستان یکی از نمونه‌هاست.



♦ مناره‌ی مدرنیستی مرکز اسلامی مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی فنی و حرفه‌ای (۱۹۸۶) در نزدیکی داکا، بنگلادش، نه تنها نشان از حضور مسجد در این نهاد آموزشی دارد، بلکه کارکردی به عنوان یک ابزار تزئینی معماری نیز دارد.



♦ ساده‌ترین بیان مسجد به صورت مکانی برای اقامه‌ی نماز، محصوره‌ای سرگشاده است که رو به قبله باشد. در این تصویر، در فضای باز هتلی در سیدالشریف در پاکستان، فضای نماز با مرمر مشخص شده و نشانه‌ای سنگی نیز نقش محراب را دارد و جهت قبله را برای تمازگزاران مشخص می‌کند.

مورد یادمان‌های عظیم جهان اسلام است؛ از جمله می‌توان به آثار پریس داونز، گوری و جونز، کرسول، پوپ و دیگران اشاره کرد و آثار منتشرشده از دهه‌ی ۱۹۷۰ به این طرف^{۱۱} نیز تأثیر فزاینده‌ای در شکل‌گیری این سیما داشته‌اند. این آثار نقش میانجی را داشته است و راه را برای بازگشت به سوی گذشته‌ی دوری در تفکر معماری و سنت ساختمانی هموار کرده‌اند که گذشت زمان، با گذر از جامعه‌ی پیشاصنعتی به سوی جامعه‌ی صنعتی،^{۱۲} آن را از دید ناظر معاصر پوشیده نگه داشته است. بر اساس این مدل تاریخی، روایت‌های مختلفی از سیمای «اسلامی» جدید پدید آمده که در سرتاسر جهان انتشار یافته است: روایت آندلسی/مغربی، روایت عثمانی و مملوک، و روایت هندوایرانی. حلقه‌ی رابط با گذشته، حلقه‌ای واقعی نیست، بلکه اسطوره‌ای آگاهانه برساخته است که تحقق بیان جدید را میسر کرده است – بیانی که آن را معماری پان‌اسلامی، یا حتی معماری پسااسلامی نامیده‌اند.^{۱۳} این بیان به صورتی نسنجیده از منابع مختلفی اقتباس می‌شود، غالباً مفاهیم اصیل را از واحدها و اجزای خاص فرمی و تزئینی منتزع می‌کند، و گاهی تبیین‌ها و تاریخچه‌های نوساخته‌ای را به آن‌ها نسبت می‌دهد؛ به عنوان مثال می‌توان از مسجد مرکز اسلامی رم (فصل ۶)، یا مسجد الغدیر (فصل ۵) نام برد. سرانجام این که واژه‌ی «اسلامی»، هنگامی که در مورد تجلیات بصری معاصر به کار رود، مفهوم تازه‌ای دارد: آن‌همه‌ای از انواع منابع و عناصر است که آن‌ها را باب روز کرده‌اند – وارثان طراحی پان‌اسلامی. این واژه ناگزیر از گذاری فراگیر توسط کارفرمایان، معماران، و کاربران، به یکسان به کار می‌رود.^{۱۴}

پافشاری بسیاری از کارفرمایان بر گنجاندن گنبد در طرح مسجد، معماران را ناگزیر کرده است تا طرح فرمی را تقبل کنند که دیگر، از لحاظ فرمی یا فنی، در کانون دستاوردهای طراحی معماری سده‌های متناقضی حاصل شده است. معمار همواره ناگزیر از یافتن نسبت‌بندی‌ها و نیمرخ‌های مناسب، یافتن راه‌حلی هماهنگ در مقیاس مطلوب بوده است. اما علاقه به گنبد به عنوان یکی از تمایزهای معماری چنان زیاد است که اکنون تعداد مساجد گنبددار، از همه‌ی تیپ‌های دیگر بیشتر است. امروزه سیماهای فراگیر یادمان‌های عثمانی، مملوک، صفوی یا تیموری که از طریق مساجد، کارت‌پستال‌ها، پوسترهای گردشگری یا اوراق چاپی برای همگان آشنا شده است، تقریباً به یکبار مهم در پیوند دادن گنبد با نوستالژی عمومی «اصالت» بازی می‌کند، هرچند هنوز این موضوع بررسی نشده است.

به عنوان مثال، در ترکیه، جایی که سلیقه مدرنیستی از طریق معماری گسترش یافته است، نوآوری در فرم مسجد، تاریخچه‌ای مهم دارد. در مدل مختلفی می‌توان برای این امر برشمرد، که یکی از آن‌ها استقرار دولت سکولار در دهه‌ی ۱۹۲۰ است. با وجود این، در طرح‌های بعضی از مساجد کوچک و، مهم‌تر از همه، مسجد پارلمان در آنکارا (فصل ۲)، در انتخاب پوشش بام، گنجاندن محراب و برج، بسیاری از قراردادهای فرمی زیر پا گذاشته شده است. اما سلیقه‌ی عوام‌گرا بارها معماران را در معرض چالش قرار داده است و حتی از فشار سیاسی نیز برای واداشتن آن‌ها به پیروی از سلیقه‌ی عامه‌ی مردم استفاده شده است (معروف‌ترین نمونه از موفقیت‌آمیز بودن چنین روش‌هایی فسخ قرارداد ساخت پوسته‌ی مدرنیستی مسجد کوکاتپه توسط دالوکای است: فصل ۲ را ببینید). اکثریت مسجدهای جدید را می‌توان «عثمانی‌وار» نامید – گویی در آینه‌ای که تصاویر را معوج می‌کند، به تصویر یک مسجد عثمانی قرن شانزدهمی، کار معمار سنان نگاه می‌کنید. چنین بناهایی در نواحی شهری

آنکارا و استانبول بسیار دیده می‌شوند که توسط پیمانکارانی بی‌بهره از کمک‌های حرفه‌ای معماری، از بتن و به صورتی ابتدایی ساخته شده‌اند.

سلیقه‌ی عوام‌گرا بر نیمرخ مسجد در اندونزی و مالزی، تأثیر آشکاری داشته است. این سلیقه که از طریق به‌کارگیری پوشش‌های گنبدی یا سرمنا‌های فلزی پیش‌ساخته بیان می‌شود و به‌سرعت به ویژگی استاندارد مسجدهای جدید تبدیل شده است، را می‌توان به‌عنوان راهی برای بیان اشتیاق به تعلق داشتن به جهان پان‌اسلامی غیرمنطقه‌ای، درک کرد.^{۱۵} (این نوع گنبدهای پیش‌ساخته، خواه فلزی و یا از فایبرگلاس، را در بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا، نیز می‌توان سفارش داد.) این سیمای فراگیر مسجد گنبددار را می‌توان به‌منزله‌ی پیروزی سلیقه‌ی خرده‌بورژوازی تلقی کرد.^{۱۶}

رونق ساخت مسجد فرصت‌های دامنه‌داری برای تزئین مساجد، شامل هنرها و مهارت‌های سنتی اسلامی فراهم آورد. طرح محراب و منبر، و تکامل کتیبه‌نویسی برای این دو عنصر مهم، هم‌چنین برای ورودی‌ها و سقف‌ها، هنرمندان و استادکاران را به رقابت واداشته است. در واقع، نمونه‌های مهمی از خوشنویسی، منبت‌کاری، تندیس‌سازی و کاشی‌کاری اجرا شده‌اند (مثلاً نگاه کنید به مسجد ملک فیصل در اسلام‌آباد که در فصل ۲ شرح داده شده است). کارمندان منفرد را، به‌ویژه اگر نقش آن‌ها در ارتقای کیفیت بیانی بنا چشمگیر بوده است، از نام پنداخته‌ایم. در این زمینه، کمبود استادکاران و هنرمندان ماهر، در نتیجه‌ی گسست‌های ناشی از فناوری ساختمان که قبلاً به آن اشاره شد، به‌شدت حس می‌شود. به این ترتیب، برای جادوگری در رد نظر هنرمند، معمار، و کارفرما در عرصه‌های مختلف خوشنویسی یادمانی، تزئین هنرهای مساجد، ساخت مقرنس، بازآفرینی‌های بسیاری ضرورت می‌یابد.^{۱۷} در حقیقت، اشتیاق کارفرما برای تزئین مساجد غالباً بسیار زیاد بوده و در مورد جلوه‌ی ظاهری این نازک‌کاری‌های ساختمانی چنان تصوراتی داشته است که گاه نیت معمار را در محاق برده است؛ به عنوان مثال می‌توان از مسجد اعظم کویت (فصل ۲) یا مسجد فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض (فصل ۴) نام برد. این تزئینات اصلی‌ترین شاخص اصالت می‌دانند، بدون توجه به این‌که چه تعداد هنرمند و استادکار از سراسر جهان برای شرکت در تزئین این مسجد فراخوانده و به کار گرفته شده‌اند. در چنین بافتی، کار استادکاران، گچ‌نرآن، کاشی‌تراشان و منبت‌کاران مغربی بازمانده، که مهارت‌های سنتی آن‌ها ریشه در تاریخ پیش‌اصنعتی دارد، در چشم‌ارزشی به مسجد می‌بخشد که از ارزش خود بنا بیشتر است.

درخواست برای ساخت در مقیاسی بزرگ، که به اعقاب هر مسجد موجود از گذشته فراتر می‌رود، به این معناست که ارتباطات بصری و آکوستیکی را باید از نو تنظیم کرد. نیازهای آکوستیکی از طریق به‌کارگیری فناوری بلندگو و آمپلی‌فایر قابل حل است. کانون سنتی محراب، به‌منزله‌ی عنصر جهت‌دهنده‌ی هر مسجد، در فضاهای سرپوشیده‌ی وسیع، مثلاً به وسعت مسجد اعظم کویت، مسجد حسن دوم در کازابلانکا، یا در طرح‌های پیشنهادی برای مسجد دولتی عراق، گم می‌شود. به همین ترتیب، وسعت فضا (و، در عین حال، نیاز برای تأمین امنیت) بیشتر سبب جدایی جمعیت حاضر در مسجد شده است تا یکپارچگی و وحدت آن‌ها. در چنین مواردی، ابعاد عظیم بر همه‌ی ملاحظات دیگر چیرگی می‌یابند. مسابقه‌های معماری برای طراحی ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسجد، خواه به‌صورت آزاد،



❖ در مساجد معاصر از سبک‌های متباینی استفاده می‌شود که مثلاً در پوسته‌ی مدرنیستی مسجد شهرک مسکونی افسران وزارت دفاع در کراچی (بالا)، یک مسجد روستایی در نزدیکی جاکارتا با بام شیب‌دار به سبک بومی، (وسط)، و مسجدی در کنار دریا، در فری‌تاون، واقع در سیرالئون، مشاهده می‌شود که بنایی دورگه است و با گنبدی تزئین شده است که نشانه‌ی کارکرد و هویت آن است.



❖ «گنبد‌های فوری» پیش‌ساخته به سبک تیموری هند، که در کنار جاده‌ای در اندونزی برای فروش عرضه شده‌اند.



◇ مسجد الحریزی (۱۹۸۶)، جده، عربستان سعودی. نمونهای از مقرنس سنتی که با سبک مدرن اجرا شده است؛ تزئینات زیر مآذنه‌ی یکی از مناره‌های سبک عثمانی.



◇ ترسیم معمار از مسجد اعظم شهر کویت (۸۴-۱۹۷۶). کار محمد مکیه. یکی از چندین مسجد مهم با مقیاس بزرگ که در دوران پسااستعماری بنا شده است و در آن بازآموزه‌های نمادین مذهب و استقلال ملی با هم تلفیق شده‌اند.

یا به شکل محدود، تأثیر مهمی در ایجاد علاقه در معماران به مسائل طراحی مسجد داشته‌اند. هیئت‌های داورى که اعضاى آن‌ها از رده‌های مختلف ملی و بین‌المللی این حرفه انتخاب می‌شوند، و انتشار نتایج مسابقه‌ها سبب جلب توجه به مسائل گوناگون معماری مساجد معاصر شده و معدودی راه‌حل موفقیت‌آمیز برای طراحی مسجد امروزی حاصل آن بوده است.^{۱۸} این مسابقه‌ها کارفرمایان را نیز درگیر ابداع زبانی کرده است که از طریق آن بتوانند جزئیات خاص از لحاظ اندازه و کاربری را به معمار انتقال دهند و امیدوار باشند که در کاربر نهایی نیز تأثیر بگذارد. این نکته که کارفرما غالباً فرد نیست، بلکه کمیته‌ای تشکیل شده از افراد مختلف است، حوزه‌ی شرکت در تصمیم‌گیری را به بعضی از بخش‌های متنفذ جامعه گسترش داده است (اما چنان‌که در آینده خواهیم دید، این نکته شامل همه‌ی بخش‌ها نمی‌شود). شرکت‌کنندگان در این فرایند شبکه‌ای درهم‌تنیده از افراد اثرگذار تشکیل داده‌اند و می‌توان آن را بخشی از روند تکامل مسجد معاصر پان‌اسلامی نیز دانست.

در مواردی غیر از مسابقه‌ها، از معمار انتظار می‌رود برنامه‌ی تفصیلی را براساس طرح توجیهی کلی، یا دستوراتی که کارفرما می‌دهد تهیه کند. اگر معمار مسلمان باشد، مسئولیت دیگری نیز بر دوش او سنگینی می‌کند و از او انتظار می‌رود به‌خاطر اسلام اینارگری کرده، از حرفه‌ای خود را به‌صورت افتخاری، یا دست‌کم با هزینه‌ای پایین‌تر ارائه دهد. در فاز طراحی، احتمال می‌رود که کارفرما و معمار تغییرات چشمگیری در آن ایجاد کنند، و گاه تغییرات در حین ساخت نیز مطرح می‌شوند. غالباً، حتی در چارچوب مسابقه، چنین تغییراتی را به طراح برنده، پس از اعلام برنده شدن آن، خواستار می‌شوند. ماهیت جمعی تأمین بودجه‌ی ساخت مسجد، خواه در سطح ملی، و یا از طریق تأمین منابع مالی در سطح بین‌المللی، سبب تأخیر شدن دوره‌ی ساخت بسیاری از مساجد می‌شود و در نتیجه بینش حاکم بر طراحی اولیه و تدریج رنگ می‌بازد.^{۱۹}

حوزه‌ای که شایسته‌ی بررسی کامل است و ما فقط نگاهی گذرا به آن افکنده‌ایم، کاربری فعلی مساجدی است که در این کتاب به آن‌ها پرداخته‌ایم. یکی از جنبه‌ها، اهمیت و مفهوم انتساب فردی هر مسجد است. در ارتباط با این موضوع، اما بسیار فراتر از آن، ماهیت و نقش کاربران فضای مسجد مطرح می‌شود. این شروع کار، مساجد توصیف‌شده را براساس نام رسمی آن‌ها به‌صورت اولیه و کاربری محلی آن‌ها در نظر می‌گیریم: نام هر مسجد دقیقاً گویای کاربری آن است. بنابراین اصطلاحاتی از قبیل جامع، مسجد، مسجد جامع، مسجد جمعه، مسجد اعظم، مسجد محله، و مسجد محلی در سرتاسر کتاب مطرح می‌شوند و در بافت خود به‌صورت مترادف به‌کار رفته‌اند: مسجد بزرگ را ممکن است مسجد جامع بنامند، اگرچه هیچ ارتباط رسمی با قدرت سیاسی حاکم نداشته باشد، و مسجد دولتی را ممکن است صرفاً مسجد بنامند، هرچند مقصود از آن به رخ کشیدن اقتدار دولت باشد. این اصطلاحات با کاربری واقعی مسجد و مسجد جامع، طبق تعریف عام قانون اسلام در دوره‌های پیشامدرن، رابطه‌ای صرفاً غیرمستقیم دارند.

برای نام‌گذاری تیپ‌های مساجد ثبت‌شده در تاریخ و متمایز شده براساس قانون اسلام، رویه‌ی مشخصی وجود دارد.^{۲۰} مخصوصاً بین مسجد جامع (مسجدي برای اجتماع مردم) و مسجد (جایی برای اقامه‌ی نماز یومیه) تمایز هست. چنین تمایزی از همان اوایل تاریخ اسلام

وجود داشت و مسجد جامع با قدرت سیاسی در ارتباط بود و در آن خطبه ایراد می‌شد و بیعت گرفته می‌شد. با گذشت زمان، تفاوت بین دو تیپ به تدریج کمرنگ شد و امروزه مقیاس و کاربری، همچنین تعریف‌های جدید اقتدار سیاسی آن را عمدتاً از بین برده است.

پیدایش دولت اسلامی، که پدیده‌ای مدرن است، بر ماهیت و تیپ‌شناسی مساجد تأثیر گذاشته است. بیانیه‌ی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳، مبنی بر سکولار بودن دولت ترکیه به جدایی اقتدار سیاسی و مسجد منتهی شد. حکومت سلسله‌ی پهلوی در ایران، از طریق ستیز با اقتدار و ثروت نهادهای دینی، تا حدودی از الگوی آتاتورک پیروی کرد، اما هرگز تا آن‌جا پیش نرفت که استقرار دولت سکولار را اعلام کنند. در جاهایی که دولت‌های تازه استقلال یافته به طور علنی به سوسیالیسم روی آوردند، مانند الجزایر، مصر، سوریه و عراق، تلاش زود هنگامی در جهت هم‌سنگ دانستن ملیت با نمایش نمادین مسجد دولتی به عمل نیامد. اما در این موارد، همانند نمونه‌ی قدیمی‌تر ترکیه، ایدئولوژی کنترل دولتی بر بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره رسماً ترویج می‌شد. تمرکز تصمیم‌گیری نیز از خصیصه‌های ملت‌های جدید واقع در شرق این ناحیه، از قبیل پاکستان، مالزی، و اندونزی بود. احداث یک مسجد دولتی و برنامه‌ی مسجدسازی توسط حکومت مرکزی از طریق شاخه‌های محلی آن، عملاً معرف تلاش برای تسلط مسجد جامع و وانهادن سایر مساجد به ابتکار عمل مقامات محلی بود.

در بحث پیرامون موارد انفرادی، فقط اشاراتی گذرا به جنبه‌های مالکیت این نوع مساجد، در بخش بیعت‌های آن و اتخاذ تدابیری برای تعمیر و نگهداری آن‌ها داشته‌ایم.^{۲۱} بررسی تفصیلی و کنش این جنبه‌ها ممکن نبود و در حیطه‌ی کار این کتاب نمی‌گنجد. با وجود این، اشاره به بعضی نکات کلی به سبب اینست. مسئله‌ی مالکیت و کنترل فضای مسجد، اگر نه نام‌گذاری دقیق این فضا، مسئله‌ی منتهی شده است. بلکه روز به روز حادتر می‌شود. دسترسی به مسجد، انتصاب کارکنان آن، به‌ویژه امام جماعت، به موازات آن، کنترل محتوای خطبه‌هایی که ایراد می‌شود، همواره از موضوعات مهم اعلامی مقامات دولتی بوده است؛ اگر این موضوعات از احداث یا تأمین مالی مسجد تحت نام دولت مهم‌تر نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر هم نیست (نگاه کنید به فصل ۳).

یقیناً، مسجد به منزله‌ی فضایی عمومی می‌تواند توان بالقوه‌ی بالایی برای فعالیت‌های ضد دولتی داشته باشد. حتی آن دسته از حکومت‌ها که پیش از این نهضت‌های اسلام‌گرا را با مهارت کنترل می‌کردند، به‌طور فزاینده‌ای آگاهی یافتند. بعد سیاسی نقش آموزشی مسجد و ارتباطات مسجدی می‌تواند اقتدار حکومت را به خطر اندازد. حتی چنین توان بالقوه‌ای به توان بالفعل تبدیل شود، چنان‌که در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و در الجزایر در دهه‌ی ۱۹۹۰ مشاهده شد، مسجد می‌تواند کانون تجمع کسانی باشد که خواهان مبارزه با دولت و سرنگونی آن هستند. یافته‌های یک بررسی ابتدایی حاکی از آن است که عملاً حکومت‌ها در بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر از خطرات نهفته در ذات این پدیده آگاه شده‌اند. به این ترتیب، مثلاً در مغرب، الجزایر، تونس، مصر، و عمان قوانینی برای کنترل همه‌ی جنبه‌های حیات مسجد تصویب شده است.^{۲۲}

در مغرب، طبق فرمانی در سال ۱۹۸۴، اجازه‌ی ساخت مسجد توسط استاندار هر استان یا فرماندار هر شهر، و پس از کسب نظر وزارت خانه‌های بنیادهای دینی و امور اسلامی، و مسکن